

رسانه به معنای هر وسیله ای است که مطلب یا خبری را به اطلاع مردم برساند؛ مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه [1] و اینترنت که هر کدام از آنها دارای احکام خاصی است که می توان بر اساس اصول اسلامی به تبیین آن پرداخت. در آغاز، احکام خبر و خبر رسانی را با نگاهی فقهی ذکر می کنیم.

لزوم تحقیق در درستی اخبار

قرآن کریم می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ)؛ [2]

«ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما آورد، درباره آن تحقیق کنید؛ مبدا در صورت عمل کردن بدون تحقیق، به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید».

برخی مفسران شأن نزول آیه را، ولید بن عقبه دانسته اند که پیامبر (ص) او را برای جمع آوری زکات از قبیله بنی المصطلق اعزام داشت، اما او بدون تحقیق به پیامبر (ص) گزارش داد که آنها از پرداخت زکات خودداری کرده اند. در آن زمان امتناع از پرداخت زکات، یک نوع قیام بر ضد حاکمیت اسلام به شمار می آمد. پیامبر (ص) تصمیم گرفت با آنها مبارزه کند. اما این آیه نازل شد [3] که بیانگر تأکید بیشتر این حکم در مورد رهبران جامعه در مواجهه با خبر است.

آیه شریفه به صراحت، فلسفه حکم را، جلوگیری از آسیب رساندن به دیگران و در نتیجه پشیمانی از اقدام نابجا بیان می کند.

امام علی (ع) در پیام خود به مالک اشتر می فرماید:

«ولا تعجلن الی تصدیق ساع فان الساعی غاش و ان تشبه بالناصحین؛ و در تصدیق و باور داشتن خبر آورنده و سخن چین شتاب منما؛ زیرا سخن چین خیانتکار و فریب دهنده است؛ هر چند وانمود کند که پند دهنده است».[4]

حرمت شایعه پراکنی

پس از هجرت پیامبر (ص) به مدینه و استقرار حکومت قرآنی، منافقان و بیمار دلان همواره اقدام به نشر اخباری می کردند که دلهره زا و اضطراب آفرین بود. قرآن کریم حکم آنان را که ادامه سنت الهی در مورد تمام منافقان و مخالفان انبیاست، بیان کرد و فرمود:

(لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْمًا تُقْفُوا أَخَذُوا وَ قُتِلُوا تَقْتِيلًا سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا)؛ [5]

«اگر منافقان و بیمار دلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات بی اساس در مدینه منتشر می کنند، دست از کار خود

برندارند، تو را بر ضد آنان می شورانیم. سپس جز مدت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند و از همه جا طرد می شوند و هر جا یافته شوند، دستگیر خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید...».

در برخی تفاسیر آمده است:

«ارجاف، به معنای ترویج باطل با هدف اندوهگین ساختن است که معنای اصلی آن، اضطراب است و مقصود از «مرجفون» منافقانی بودند که در مدینه خبرهایی را منتشر می کردند که موجب تضعیف روحیه مسلمین می شدند؛ مثلاً شایعه می کردند که مشرکان برای جنگیدن با مسلمین آماده شده اند یا لشکرهای اعزامی از سوی پیامبر (ص) کشته و یا فراری شده اند. قرآن کریم ضمن بیان حکم قتل و لعنت آنها، آن را حکمی ثابت در تمام شرایع پیشین اعلام داشت.» [6]

در همین زمینه، کلام دیگر الهی می فرماید: (وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا)؛ [7]

«و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق) آن را شایع می سازند؛ در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان که قدرت تشخیص کافی دارند، بازگردانند، از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عده کمی همگی از شیطان پیروی می کردید.»

مرحوم شیخ طبرسی می نویسد:

«اذاعه، افشا، اظهار و اعلان، در معنا نظیر یکدیگرند، و استنباط به معنای استخراج است؛ به گونه ای که در معرض دیدن قرار گیرد و یا به وسیله قلب، معرفت و شناخت آن میسر شود و معنای (لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ) آن است که آنها که به دنبال تحقیق از واقعیات و حقیقت هستند، (پس از مراجعه) حقیقت را خواهند یافت.» [8]

حرمت نشر اکاذیب

گروهی متشکل و منسجم، توطئه ای را با هدف ضربه زدن به پیامبر (ص) تدارک دیدند که در قرآن از آن به نام «إفک» یاد شده است. قرآن کریم از توطئه گران با تعبیر «عصبه» یاد می کند. به نظر راغب، عصبه به گروهی می گویند که یک سخن بگویند و پشتیبان یکدیگر باشند [9] و تعداد آنان بین ده تا چهل نفر باشد. [10] آنها به رهبری عبدالله بن سلول، شایعه ای را منتشر ساختند که بر اساس کلام الهی اگر فضل و رحمت خدا نبود، مجازات سنگینی دامن آنها را می گرفت. [11]

این در حالی بود که برخی از مسلمانان ساده لوح، فریب آنان را خورده و خود عاملی برای نشر آن گردیده بودند. قرآن آنها را سرزنش و ملامت کرد و با شدید ترین تعبیرات به نکوهش کار آنها پرداخت و فرمود:

(لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَ قَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ... إِذْ تَلَقَّوْهُ بِالْسِّنَتِكُمْ وَ تَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَ تَحْسَبُونَهُ هَيِّئًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ وَ لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ. يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)؛ [12]

«به خاطر بیاورید زمانی را که این شایعه را از زبان یکدیگر می گرفتید ... و با دهان خود سخنی می گفتید که به آن یقین نداشتید و آن را کوچک می پنداشتید؛ در حالی که نزد خدا بزرگ است. چرا هنگامی که آن را شنیدید، نگفتید: ما حق نداریم که به این سخن تکلم کنیم؟ خداوند! منزهی تو. این بهتان بزرگی است. خداوند، شما را

اندرز می دهد که هرگز چنین کاری را تکرار نکنید، اگر ایمان دارید».

جواز افشای ستمگر

اگر چه در اسلام غیبت و بدگویی از مؤمنان حرام شمرده شده است، اما فرد ظالم و ستمگر از این قاعده مستثناست و می توان در همان زمینه ای که قصد ستمگری داشته، او را افشا کرد. قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

(لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسَّوِّءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا) [13]؛

«خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود بدی ها را اظهار کند، مگر آن کسی که مورد ستم واقع شده باشد. خداوند شنوا و داناست».

نکوهش تملق و چاپلوسی

یکی از آسیب های مطبوعاتی، تملق و چاپلوسی است که رواج آن در جامعه آثار زیان باری دارد. از امیرمؤمنان امام علی (ع) روایت شده است که فرمود:

«الثناء بأكثر من الإستحقاق ملق و التقصير عن الإستحقاق عیّ أو حسد؛ ستودن دیگری بیش از آنچه شایسته آن است، چاپلوسی است و کمتر از آنچه سزاوار است، ناتوانی یا حسد ورزیدن است» [14]

و در نامه به مالک اشتر می فرماید:

«ثم رُضهم على ان لا يُبجّحوک بباطل لم تفعله فان كثرة الاطراء تُحدث الزهو و تُدنى من العزة؛ و آنان را وادار و پیاموز که بسیار تو را نستایند و از اینکه باطلی را به جا نیاورده ای، تو را شاد نگردانند (تا تو را به خود متوجه سازند)؛ زیرا ستایش بسیار، انسان را خودپسند ساخته و سرکشی به بار می آورد» [15]

بر این اساس، تملق و ستودن بیش از استحقاق فرد، علاوه بر اینکه دروغ به شمار می رود، دارای آثار تخریبی در شخصیت انسان است؛ چنان که در بیان امیرمؤمنان (ع) آمده است.

مرحوم شیخ انصاری یکی از محرمات را مدح و ستایش افرادی می داند که یا قابل ستایش نیستند و یا اینکه استحقاق مذمت دارند و دلیل آن را علاوه بر قبح عقلی، آیه شریفه (وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ) ذکر می کند. [16]

انعکاس مشکلات مؤمنان

یکی از رسالت های مهم مطبوعات و نظام رسانه ای، انعکاس مشکلات مسلمین برای اطلاع دست اندرکاران و رفع آن است. چه بسیار رسانه های متعهد بوده اند که بدین وسیله توانسته اند مشکلات و ناملایمات بزرگ کشور یا منطقه را رفع کنند. حتی اگر مسئولان و افراد ذی ربط در صدد گشایی برنیايند، باز کار آنان اهمیت و جایگاه ویژه خود را از جهت معنوی خواهد داشت.

کتاب های حدیث از آن جمله وسایل الشیعه در این زمینه فصل های متعددی را گشوده است؛ همانند «باب استحباب السعی فی قضاء حوائج المؤمن قضیت أولم تقض؛ مستحب بودن تلاش برای برآوردن نیازهای مؤمن،

چه انجام بپذیرد، چه انجام نپذیرد». [17] و «باب استحباب تفریح کرب المؤمن؛ مستحب بودن رفع مشکلات مؤمنان» که در هر باب، یازده حدیث را ذکر کرده است. در یکی از احادیث آمده است که پیامبر (ص) فرمود: «من اغاث اخاه المسلم حتی یخرجه من همّ و کربه و ورطه کتب الله له عشر حسنات و رفع له عشر درجات و اعطاه ثواب عشر نسومات و دفع عنه عشر نقمات و اعدّ له یوم القیامة عشر شفاعات؛ هر کس برادر مسلمان خویش را فریاد رسی کند تا او را از غم و اندوه و سختی نجات دهد، خداوند برای او ده حسنه می نویسد و او را ده درجه بالا می برد و به او ثواب آزاد کردن ده بنده می دهد و از او ده سختی و بلا رفع می کند و برای او در روز قیامت ده شفاعت فراهم می سازد». [18]

در حدیثی دیگر از امام علی (ع) نقل می کند که فرمود:

«من کفّارات الذّنوب العظام اغاثه الملهوف و التنفیس عن المکروب؛ از کفاره گناهان بزرگ، فریاد رسی برای انسان های اندوهگین و غم زده و رفع مشکل از کسانی است که در سختی قرار گرفته اند». [19]

امروزه برای همه روشن است که گام اول برای پاسخ گویی به ندای مظلومیت افراد گرفتار، انعکاس صحیح و درست مشکلات آنان در مطبوعات است. اگر ظلمی که در فلسطین بر مسلمین روا شده، از سوی رسانه ها به صورت درست در معرض دید جهانیان قرار گیرد، دیگر دشمن این همه گستاخی نمی کند.

حرمت تمسخر و استهزا

خبررسانی گاه به این انگیزه است که دیگران آن را بشنوند یا بخوانند تا فردی را که موضوع خبر قرار گرفته است، به تمسخر بگیرند. که در قرآن کریم این کار، حرام شمرده شده است و می فرماید:

(یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا یَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ یَكُونُوا خَیْرًا مِنْهُمْ وَ لَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ یَكُنَّ خَیْرًا مِنْهُمْ) [20]؛

«ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند».

پی نوشت ها :

- 1 . فرهنگ عمید، ج2، ص.1042
- 2 . حجات / 6.
- 3 . مجمع البیان، ج5، ص132 (منشورات مکتبة آیت الله نجفی).
- 4 . نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص998، نامه 53.
- 5 . احزاب/ 60. 62.
- 6 . مجمع البیان، ج4، ص371؛ المیزان، ج16، ص.361
- 7 . نساء / 83.
- 8 . مجمع البیان، ج2، ص.81
- 9 . مفردات راغب (عصب).

- 10 . الميزان، ج15، ص.97
- 11 . نور / 20.
- 12 . نور / 15. 17.
- 13 . نساء / 84.
- 14 . نهج البلاغه، حكمت. 339.
- 15 . همان، ص999، نامه. 53.
- 16 . مكاسب، ص.84.
- 17 . وسايل الشيعه، ج11، ص582، باب 27 من ابواب فعل المعروف.
- 18 . همان، ص588، باب29 ، حديث.8.
- 19 . همان، حديث. 10.
- 20 . حجرات / 11.